

## نامه‌های رسیده

به نام آنکه وجودم وجود پر وجودش به وجود آمد

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای.

ما تعدادی از دانش‌آموزان مدرسه فرزندگان ... هستیم و از شما بابت اینکه یک قسمت از مجله‌تان را به درد دل ما بچه‌های سمپادی اختصاص داده‌اید، سپاسگزاریم. ما به عنوان دانش‌آموزان سمپادی مشکلی داریم که فکر می‌کنیم دیگر بچه‌های فرزندگان نیز با این مشکل مواجه باشند. ما می‌خواستیم چند موضوع را با شما در میان بگذاریم، که عبارتند از:

۱. چرا نباید معلمان مخصوصی، فقط برای تیزهوشان تدریس کنند؟ یا چرا نباید این معلم‌هایی که در مدارس تیزهوشان درس می‌دهند، آموزش‌های لازم را ببینند؟ آن مقدار که در اطلاعات ما می‌گنجد این است که تمام معلمان این استان، به نحوی در آموزش مدرسه تیزهوشان نقش دارند! کلاس خصوصی (البته، بیشتر دانش‌آموزان سمپادی (فرزندگان))، در دست داشتن جزوه‌های تکمیلی (مطالب خارج کتاب (فرزندگان)) و...

۲. آقای دکتر اژه‌ای! گاهی ما از تیزهوش بودنمان پشیمان می‌شویم، چون وقتی معلم‌انمان سعی نمی‌کنند خود را همگام با دیگر مراکز سطح کشور بکنند، به ما می‌گویند: «مگر شما تیزهوش نیستید...؟!» در صورتی که اگر تیزهوش بودن فقط به حفظ جزوه تکمیلی یا داشتن آن است، بهتر است مادر همان

مدارس عادی درس بخوانیم تا حداقل آنقدر ما را تحقیر نکنند.

۳. آیا فرق ما فقط به یک آزمایشگاه است؟ آن را هم که دیگر مدارس دارند. آیا نباید روش تدریس و امکانات مدارس تیزهوشان، به خاطر دانش‌آموزانی که در آن درس می‌خوانند، بهتر و بیشتر باشد؟

آقای دکتر اژه‌ای! اگر بخوایم حرف بزنیم، گفتنی‌ها بسیار است. از جمله: تبعیض بین مراکز دختران و پسران و... از این که وقت گرانبایان را به ما دادید تا این چند خط را بخوانید، متشکریم. امیدواریم این نوشته را چاپ کنید تا مسئولین مطلع شوند.

استعدادهای درخشان: ۱. در مورد نیروی انسانی، تا قبل از تجمیع، ادارات کل در اغلب شهرها در ارتباط با اکثر مراکز، مانع می‌شدند تا بهترین دبیران، ساعات موظف خود را در مراکز سمپاد تدریس کنند؛ ولی از سال ۸۰ به بعد، دیگر دلیلی برای این کار نیست. در مورد آموزش به دبیران مأمور به مراکز نیز، در دوره‌های تابستانی سعی می‌شود تا براساس آموزش متمرکز، نواقص نحوه کارکردن آن‌ها با دانش‌آموزان تیزهوش به آنان تذکر داده شود. ۲. طبیعی است که اعتبارات استانی برای تجهیز مدارس، که نسبتاً زیاد هم هست، بهترین محل هزینه آن برای تجهیز یک مرکز آموزشی سمپاد است. هرچند این مراکز در مواردی، مورد بی‌مهری کامل قرار می‌گیرند و سمپاد هم، پس از «تجمیع» هیچ اقدامی نمی‌تواند در این زمینه انجام دهد. لذا، منبع منحصر به فرد تجهیز مراکز، استفاده از حق‌الثبت دانش‌آموزان خواهد بود، که در بعضی از شهرها، برای این که مانع این امر نیز شوند، به بهانه‌های مختلف، افرادی را که امکان مالی بهتری برای پرداخت حق‌الثبت در مقایسه با سایر اولیاء را دارند، را استثنا می‌نمایند و حتی مدیرانی به خاطر رعایت مصوبه هیئت امناء به غضب خدایان زمینی گرفتار شده‌اند.

### بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

احتراماً، ضمن اعتذار از تصدیع، خاطر عالی را به مطالب ذیل‌الذکر که زبان پدری آزرده خاطر است، معطوف می‌دارد:

به جای همان مقدمه: فرزندم با علاقه و استعداد و پشتکاری که داشت، توانست در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ با شرکت در آزمون ورودی سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان در مدرسه شهید بهشتی ... ثبت نام نماید، تا بتواند از امکانات تحصیلی و آموزشی آن سازمان برخوردار گردد. مع‌الاسف با سپری شدن چند ماه از سال تحصیلی، با عکس موضوع مواجه شده؛ به نحوی که اکنون فرزندم، در نتیجه روشهای غلط و غیرمنطبق با استانداردهای آموزشی معلمین زبان انگلیسی و

ریاضیات و فیزیک، نه تنها دچار افت تحصیلی شده است، بلکه علاقه و اشتیاق خود را نیز در جهت ادامه تحصیل در این مرکز آموزشی از دست داده است و این در حالی است که فرزندم در طول مدت تحصیلات ابتدایی، در ردیف دانش‌آموزان ممتاز قرار داشته است. حال با در نظر گرفتن اهداف این سازمان در تأسیس مراکز استعداد‌های درخشان، آیا عملکرد این معلمین می‌تواند مورد قبول واقع گردد؟ چرا تاکنون سازمان، اقدامی در جهت شناسایی و بهبود وضعیت تدریس این معلمین صورت نداده است؟ حال به منظور تنویر خاطر، پاره‌ای از معضلاتی که فرزندم و سایر دانش‌آموزان این مرکز با آن مواجه بوده‌اند، بیان می‌گردد:

۱. معلم زبان انگلیسی، بدون ملاحظه اینکه دانش‌آموز در این مقطع تحصیلی، کاملاً با زبان انگلیسی بیگانه بوده و تحصیل این زبان در این مقطع، اولین تجربه او محسوب می‌شود، با روش کاملاً غیراصولی خود متوقع فراگیری این زبان به وسیله دانش‌آموز بوده!! به طوری که قبل از آموزش صحیح و اصولی الفبای زبان انگلیسی و صداهای آنها، به تدریس کتاب Look, Listen & Learn آن هم با روشی کاملاً غلط و غیرمنطبق با استانداردهای آموزشی پرداخته است. به عبارتی، بدون اینکه مطالب هر درس را به خوبی توضیح و تبیین نماید و با انعکاس آنها در تخته سیاه، امکان نت‌برداری را برای دانش‌آموزان فراهم سازد، شروع به تدریس نموده، به گونه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان هیچ بهره‌ای از کلاس ایشان نگرفته‌اند و اگر در این میان نیز تعدادی قادر به درک مطالب کتاب شده‌اند، بی‌شک از معلم خصوصی و افراد تحصیل‌کرده خانواده و یا کتب کمک‌آموزشی بهره‌گرفته‌اند.

۲. معلم فیزیک که فاقد تحصیلات کارشناسی در این رشته بوده و در سایر مدارس راهنمایی استان نیز به تدریس علوم مشغول می‌باشند، قادر به تشریح و توضیح مطالب کتاب و پاسخگویی به پرسشهای آن نیست؛ به طوری که فرزندم می‌گوید وقتی پاسخ سؤالی از ایشان پرسیده می‌شود، پاسخ آن را به کتاب حواله می‌کنند و همکاری لازم را در جهت فهم مطالب کتاب و پاسخ سؤالات آن نمی‌نمایند.

۳. معلم ریاضیات، که از رتبه و موقعیت حساسی برخوردار است، بدون توجه به این واقعیت که آموزش ریاضی، مستلزم دقت و حوصله و تسلط کامل به شیوه علمی و اصولی تدریس می‌باشد، وقتی که وارد کلاس می‌شوند، باید همه ساکت و بی‌صدا باشند تا ایشان تندتند و مسلسل وار مسائل ریاضی را دیکته نمایند و وقتی هم از ایشان توضیحی پیرامون مسئله‌ای خواسته می‌شود، می‌فرمایند که وقت نداریم؛ باید تندتند برویم. معلوم نیست این آقا کجا می‌خواهند بروند که این همه عجله دارند! بیچاره اولیاء که باید در پی استخدام معلم خصوصی باشند که آن هم به دلایل اقتصادی برای همه کس،

بالاخص برای این حقیر که همیشه با ضعف در آمد و وضعیت نامطلوب اقتصادی مواجه بوده، ممکن نیست.

شما را به خدا، وقتی که این دانش‌آموزان را انتخاب کردید، به حال خود رهایشان نکنید. در پی مشکلات آنها باشید تا شاهد افسردگی و ملال خاطر آنان نگردیم. این دانش‌آموزان، سرمایه‌های علمی این مملکت هستند و سزاوار بی‌مهری و بی‌توجهی نمی‌باشند. از اطاله کلام بپوش می‌طلبم. اگر حرف و حدیثی گفتم، نه به خاطر این بود که موجب آزرده‌گی خاطر شوم؛ بلکه خواستم بگویم که این دانش‌آموزان، برکت خداوند هستند. تکریم و تشویق آنان و بهره‌گیری از دبیران مجرب و کارآموده، می‌تواند نقشی اساسی در بهبود وضعیت تحصیلی این عزیزان و پیشرفت علمی و فرهنگی کشور داشته باشد.

با تقدیم احترام

ولی دانش‌آموزی که از ذکر نام خود به دلیل علاقه به آتیه فرزندش معذور است.\*

استعدادهای درخشان: ۱. کاهش معدل دانش‌آموز، دلیل برافت تحصیلی او نیست و غالباً این امر، ناشی از سه عامل است: الف) سخت‌تر بودن آزمونهای مراکز سمپاد؛ ب) سخت‌تر و متنوع‌تر بودن دروس راهنمایی نسبت به دبستان؛ ج) راحت‌تر نمره دادن به دانش‌آموز در برخی از دبستان‌ها. ۲. متأسفانه در بعضی از مراکز، دبیران زبان، به خاطر تلاش بیشتری که استفاده‌کنندگان Look, Listen & Learn از آنان می‌طلبند، این کتب را به خوبی تدریس نمی‌نمایند. ما نوارکاست همه این کتابها را تحویل مراکز آموزشی داده‌ایم و اولیاء می‌توانند با کپی این نوارها، نقص احتمالی آموزش را جبران کنند. در ضمن، در سال اول راهنمایی، تدریس نیمی از کتاب Look, Listen & Learn باید در نیمه دوم سال صورت گیرد، و در نیمه اول سال تحصیلی، باید نیمی از کتاب وزارتی زبان دوم راهنمایی، تدریس شود. ۳. براساس مصوبات سمپاد، به کارگیری افراد دارای مدرک زیر کارشناسی، حتی در مقطع راهنمایی ممنوع است. ۴. در مورد محتوای سایر دروس، بخصوص علوم و ریاضی، ساعات در نظر گرفته شده برای این دروس، بیش از ساعات تدریس در مدارس عادی است و در صورت همکاری مشترک دانش‌آموزان با کادر آموزشی، نباید هیچ مشکلی پیش بیاید.

به نام خدا

با سلام خدمت پدر محترم سمپادی‌های ایران

من دو سال اول راهنمایی را در فرزندگان... گذراندم و سال سوم به فرزندگان شهر... انتقال یافتم. اما

---

\* ما هم به همین دلیل نام شهر را حذف کردیم

در اینجا با فرزانه‌گانی روبه‌رو شدم که با مدرسه قبلی‌ام بسیار تفاوت داشت و امسال برای جبران کمبودهای درسی دو ساله‌ام، تحت فشار زیادی قرار گرفتم.

در این سال، وقتی که دیدم معلم هنر با دلسوزی تمام نمره‌ها را رد می‌کند، به یاد آن اشک‌ها افتادم که در مدرسه قبلی ... برای هنر ریختم. چراکه بی هیچ آموزشی، از ما انتظاراتی غیر قابل قبول می‌رفت. امروز وقتی پشتیبانی معاون مدرسه را از دانش‌آموزان دیدم، وقتی که دیدم دانش‌آموزان چگونه درک می‌شوند، وقتی فهمیدم که فرزانه‌گان واقعی کجاست، به یاد آن روز افتادم که به خاطر تعویض رنگ مقنعه‌ام تنها برای یک روز، چه نگاه‌ها و چه دردسرهایی را تحمل کردم. یا آن زمان که به دلیل ناتوانی در برقراری ارتباط با معلم فیزیک، یک هفته تمام اشک ریختم؛ در حالی که برایشان همیشه دانش‌آموز خوبی بودم. با این روحیه پر مشغله چگونه می‌توان به پرورش استعداد پرداخت؟ در اینجا ما را فرزانه و فرهیخته می‌نامند، در حالی که هنوز سخنان معلم در شهر ... را فراموش نکرده‌ام که می‌گفت: «شما خیال می‌کنید کی هستید!؟»

از این مقایسه شرم می‌گیرم. من امروز تا ساعت ۵ بعد از ظهر در مدرسه مشغول درس خواندن بودم، در حالی که می‌دانستم دوستانم در ... از دو ساعت قبل در مدرسه همدیگر را نگاه می‌کرده‌اند؛ چراکه معلم فیزیک مشغول گرفتن ناخن‌های خود بوده است! معلم ریاضی ما، تمام وقت خود و دانش‌آموزان را صرف آموختن کتاب‌های وزارتی می‌کرد. بگذریم از اینکه اکنون در بسیاری از مدارس عادی کشور کتاب‌های فوق تکمیلی ما تدریس می‌شود. اما اینجا ... فرزانه‌گان ... در درس ریاضی و فیزیک از ما بسیار عقبند. چراکه آن مدرسه تنها به فکر پرورش هنرمند است! با این حال، معلم فیزیک آنان سخن از آسودگی وجدان خود می‌گوید.

آقای اژه‌ای! رفتار مدیر و معاونان آن مدرسه، تمام معلم‌های نمونه را از مدرسه رانده است. البته، با تشکر فراوان از خانم ... (معلم ادبیات) و خانم ... (معلم شیمی) که همواره زحمات زیادی برای آن مدرسه می‌کشند. پدر عزیز! قبولی‌های کنکور سال ۸۱ در شهر قبلی من از قبولی‌های مدارس عادی نیز رتبه‌های کمتری کسب کردند. خواهشمندم به فریاد فرزانه‌گان ... برسید. شاید حتی خود نیز ندانند که از لحاظ تحصیلی چقدر کمبود دارند. اما من این کمبود را با تمام وجود خود حس کردم. کمکشان کنید، چراکه بسیاری از خانواده‌ها در این شهرستان محروم، توانایی پرداخت مبالغ کلان به آموزشگاهها و معلم‌های خصوصی در شب کنکور را ندارند. از جمله مهم‌ترین تفاوت‌هایی که من بین این دو مدرسه دیدم، این بود که در فرزانه‌گان ... دچار جنگ اعصابی هستند که در سایه آن هیچ انسانی قادر به ادامه

تحصیل نیست. در آخر خواهشمند است این نامه در مجله سمپاد چاپ نگردد.

با تشکر

ش. ش.

استعداد‌های درخشان: اسم شهر و کاتب نامه را حذف کردیم، تا مشکل چاپ نامه حل شود!

### بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

احتراماً، ضمن عرض سلام و سپاس از زحمات شما در زمینه آموزش و پرورش جوانان و نوجوانان

کشور، لطفاً پاسخ پرسشهای اینجانب را در مورد جشنواره خوارزمی مرقوم فرمایید:

۱. جشنواره خوارزمی از چه سالی و به ابتکار چه کسی شروع به فعالیت نموده است؟

۲. اهداف و فعالیت‌های این جشنواره در چه زمینه‌ای می‌باشد؟

۳. چگونه می‌توان در جشنواره مذکور شرکت نمود؟

با تقدیم احترام

سیدعرفان ستوده

مرکز آموزشی شهید بهشتی خرم‌آباد

استعداد‌های درخشان: امسال هفدهمین سال برگزاری جشنواره خوارزمی است. این جشنواره چندسالی است که دارای دو بخش است و بخش جوان آن، دانش‌آموزان را هم شامل می‌گردد. از طریق استان می‌توانید اطلاعات کامل را در مورد نحوه شرکت در آن دریافت کنید. ما هم گزارش‌های مبسوطی در شماره‌های قبل مجله و به همین مناسبت، همه ساله داشته‌ایم.

### بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

جناب آقای دکتر اژه‌ای

با عرض سلام و خسته نباشید. من ولی یکی از دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی (سال تحصیلی

۸۲-۸۱) در مدرسه راهنمایی سمپاد (فرزانگان) می‌باشم. خیلی از اولیاء هستند (منظورم اولیاء

مجموعه‌های آموزشی سمپاد) که معمولاً گله می‌کنند و نصفه خالی لیوان آب را می‌بینند. بعضی از

مردم اصولاً اینطور هستند و از خداوند می‌خواهم که دیده همه ما انسانها را مثبت کند که خوبی‌ها و

موفقیت‌ها را بهتر و بیشتر ببینیم، تا در این صورت نه خودمان را غصه بدهیم و نه اعصاب دیگران را

خرد کنیم. من معمولاً از آن دسته از آدمهایی هستم که همیشه خدا را شاکر بوده و هستم. مدت سه سال

است که دخترم (پس از قبولی در آزمون ورودی استعداد‌های درخشان و وارد مدرسه فرزانگان شدن)

در این مجموعه درس می‌خواند. شکر خداوند، نمراتش همیشه خوب بوده و هیچ وقت نمره‌ای کمتر از ۱۹ نداشته است. از معلمین زحمتکش مدرسه هم خیلی راضی بودم و دخترم نیز راضی بوده است. درست است که فشار درس در این مجموعه، کمی بیشتر از مدارس دیگر است و رقابت متمایل به حسادت در بین بچه‌ها هم نسبت به جاهای دیگر بیشتر است؛ اما همه اینها طبیعی است. بچه‌ها کمی یکدیگر را و شاید معلم را اذیت می‌کنند. این هم طبیعی است. اولیاء بعضی فکر می‌کنند چون بچه‌شان تیزهوش است، معلم و امکانات مدرسه باید چنین و چنان باشد. این تقاضا هم طبیعی است. چون به هر حال سمپاد و تیزهوش بودن یک سری مزایا و یک سری معایب دارد که باید پذیرفت. از مدیر مدرسه و معاونین دلسوز هم سپاسگزارم و در رأس همه اینها از جنابعالی که به عنوان سرپرست و مدیر مجموعه هستید و تاکنون تحمل مشکلات و سختی‌های موجود را کرده‌اید، بی‌نهایت سپاسگزارم. همیشه راضی بوده‌ام و هیچ وقت از این مجموعه گله‌ای نداشته‌ام. اما، یک چیز مرا خیلی ناراحت و عصبانی کرده! و خالصانه از شما طلب کمک و پی‌گیری مسئله را به هر نحوی که مقدور است، خواهانم. موضوع این است که روز جمعه ۸۲/۳/۲۳ که دخترم از سر جلسه آزمون ورود به دبیرستان (ساعت ۱۰:۴۵ صبح) خارج شد، خیلی راحت و شادمان مرا دید و به سمتم دوید. دو بازویش را گرفتم و گفتم: «چطوری؟ چکار کردی؟» گفت: «خوب بود. بد نبود. نمی‌دانم. ریاضی‌ها را خوب جواب دادم... شیمی کمی سخت بود... حیف که زیست اصلاً نداشت... فیزیک‌هایش هم خوب بود... فکر کنم خوب دادم و راضی هستم». ته دلم خدا را بسیار شکر کردم. دستش را گرفتم و آرام آرام به طرف دوستانش که یکی یکی از جلسه امتحان خارج می‌شدند رفتم. دخترم یک لحظه ایستاد و گفت: «مامان! یکی از خانم‌هایی که مراقب ما بود، فکر کنم دائم از روی پاس‌نامه من و چند نفر از بچه‌های جلویم، جواب گزینه‌ها را به بچه‌های مدرسه دیگر می‌گفت». گفتم: «یعنی چه؟» گفت: «فکر کنم پاسخ‌ها را با شماره سؤال از روی پاس‌نامه‌ام نگاه می‌کرد و به بقیه بچه‌ها می‌گفت!» گفتم: «کدام بچه‌ها؟» گفت: «بچه‌های یک مدرسه دیگر. نمی‌دانم چه مدرسه‌ای». گفتم: «از کجا می‌دانی از مدرسه دیگر بودند؟» گفت: «من که دوستانم را می‌شناسم. تازه آنها روپوش سیاه یا سورمه‌ای داشتند. اصلاً از بچه‌های فرزندانگن نبودند...» همینطور که به دوستانش نزدیک می‌شدیم و با بچه‌ها صحبت می‌کردیم و راجع به امتحان می‌پرسیدیم، یکی دیگر از بچه‌های فرزندانگن گفت: «بچه‌ها! آن خانمی که بالای سر من بود، جواب سؤالها را یواشکی از روی من نگاه می‌کرد و به بچه‌های آن طرف می‌گفت، دیدید؟» دختر دیگری گفت: «آره؟ تو هم متوجه شدی؟» نفر دیگر گفت: «چقدر گدا بودند؛ مداد و پاک‌کن‌ها را از ما پس

گرفتند....»

مگر حوزه امتحانی ناظر در جلسه امتحان ندارد؟ یعنی کسی جدای از عوامل اجرایی حوزه امتحانی حضور ندارد؟ وقتی پرس و جو کردیم، متوجه شدیم هیچ کس از پرسنل راهنمایی فرزنانگان ناظر بر امتحان روز جمعه در آن حوزه امتحانی نبوده‌اند! آیا به نظر شما لازم نیست لااقل یک نفر از پرسنل راهنمایی فرزنانگان در حوزه امتحانی حضور می‌داشتند؟ این اصلاً انصاف نیست. من نگران این شدم که نکند بعد از جلسه امتحان جواب سؤال‌های بچه‌های ما را در پاسخنامه پاک کنند! (البته ببخشید؛ این فکر واقعاً احمقانه است، ولی در ذهن انسان خطور می‌کند).

از اینکه وقت شما را گرفتم، بسیار پوزش می‌طلبم. اگر فکر می‌کنید این موضوع نیاز به پیگیری دارد لطفاً این کار را بکنید. اگر فکر می‌کنید باعث خدای ناکرده جنجال، دلخوری و یا مسایلی که خود بهتر می‌دانید می‌شود، خودتان هر گونه صلاح می‌دانید همان کار را بکنید. در هر صورت فکر می‌کنم واقعاً بی‌انصافی و بی‌شرمی از جانب مسئولین امر بوده است. بار دیگر از زحمات جنابعالی سپاسگزاریم. از طرف جمعی از اولیای مدرسه

استعدادهای درخشان: ما در تمام حوزه‌ها یک نفر ناظر داریم. البته اگر مشخصات دقیق‌تری از این حوزه ارسال می‌شد، برای ما هم بهتر قابل پیگیری می‌بود. در مورد پس گرفتن پاک‌کن و لوازم اهدایی سپادم هم، جز اسکاتلندی بودن مجریان، که دست همهٔ خسیسان را از پشت بسته‌اند، نمی‌توان نتیجهٔ دیگری گرفت؛ هر چند لوازم التحریر غایبین هم، به مسئولان حوزه‌ها تعلق می‌گیرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و خسته نباشید حضور محترم آقای اژه‌ای

من یکی از دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان ... هستم و این نامه یکی دیگر از نامه‌هایی است که در طول ۷ سال تحصیل در این مدرسه، چه در دوره راهنمایی و چه در دوره دبیرستان برای شما نوشته‌ام. ولی این بار کمی طولانی‌تر و جدی‌تر تقاضای ترتیب اثر و بررسی دارم که آیا واقعاً چیزهایی که من می‌گویم، واقعیت دارد یا خیر؟ که برای شما مشخص شود که این مدارس احتیاج به بازرسی دارند (اگرچه شما فقط تأسیس می‌کنید و دیگر هیچ).

دبیرستان من آنقدر مشکل دارد که نمی‌توان در یک یا دو کاغذ جا داد و بیان کرد. بلکه باید رودر رو گفته شود که البته آن‌هم ساعت‌ها طول می‌کشد. من سعی کردم از طریق تلفن با شما تماس بگیرم که اجازه چنین کاری را به من ندادند و مجبور شدم دست به قلم ببرم (هرچند انشا و نامه‌نگاری‌ام



بسیار ضعیف است).

۱. ما از اول راهنمایی اصلاً زبان انگلیسی نخواندیم. اصلاً نمی‌دانم در کتاب‌های Look, Listen & Learn رنگارنگی که برایمان فرستاده می‌شد، چه نوشته شده است. ما هر سال چند معلم زبان عوض می‌کردیم. و چندین ماه اصلاً معلم نداشتیم (ضعف مدیریت).

۲. درس فیزیک و شیمی دوره راهنمایی را هم که معلم هر بخشی را دلش می‌خواست درس می‌داد و بقیه را درس نمی‌داد و کسی اجازه اعتراض نداشت (دبیرهای فوق دیپلم که اصلاً به مطالب تسلط کامل نداشتند).

۳. از سال ورود من به دوره دبیرستان، ریاضی بچه‌ها افت پیدا کرد و هر چه به مدیران برای دبیرها اعتراض می‌کردیم، توجهی نمی‌کرد. تا اینکه مادر و پدرها اعتراض کردند و در جواب آن‌ها مدیران اعلام کردند که من خجالت می‌کشم به این دبیر کلاس ندهم. امسال که ما سال پیش دانشگاهی هستیم و سه درس ریاضی (هندسه، گسسته، دیفرانسیل) را این آقا برداشته‌اند، تمامی کلاس مجبور به گرفتن معلم خصوصی هستند و چند نفری مثل من، که وسع مالی آن‌ها اجازه چنین کاری را نمی‌دهد، داریم در این آتش می‌سوزیم.

۴. ما اصلاً از آزمایشگاه استفاده نمی‌کنیم و کار عملی هیچ نقشی در یادگیری ما نداشته است. نمرات بعضی از بچه‌ها هم بیخودی تغییر می‌کرد و از ۱۷ به ۲۰ می‌رسید (پدرش بازرگانه بود).

۵. ما همیشه دنبال کلاس تقویتی دم در مدرسه‌های دیگر التماس می‌کردیم که ما را هم راه بدهند و وقتی از مدیران درخواست کلاس می‌کردیم، می‌گفت من اجازه نمی‌دهم با آن دبیر در مدرسه من کلاس برگزار کنید و بعضی کلاس‌ها را هم می‌گفت من با دبیر صحبت نمی‌کنم؛ طرف حساب او خود شما هستید! و ما مجبور بودیم حتی هزینه شخصی که در مدرسه می‌ایستد را بدهیم.

۶. اگر در زنگ کلاس وارد مدرسه ما شوید، شاید ۲ مسئول بیشتر در مدرسه نباشند و همیشه خرید و کارهای خود را در خارج مدرسه انجام می‌دهند و یا در دفتر نشسته‌اند و حرف از لباس و پارچه و کفش و این چیزها می‌زنند. معاون پرورشی و کتابدار با هم فامیل‌اند؛ مدیر و دفتردار و مسئول آزمایشگاه با هم فامیل‌اند؛ معاون انضباطی نیز بین این دو فامیل ارتباط برقرار می‌کند و گفتگوها را رونق می‌دهد. اصلاً مدرسه ما تمامش مشکل است و به نظر من دو راه حل وجود دارد: ۱) تمام کادر مدرسه عوض شود. ۲) در مدرسه را گِل بگیرد.

۷. فرق مدرسه ما با مدرسه پسرانه در چه چیز است که آن‌ها همیشه کلاسهای المپیادشان دایر است و

بحث‌های علمی در کلاس‌ها به راه و ما همیشه عقب مانده، به دلیل نداشتن بودجه. من خودم شخصاً با تمام علاقه‌ای که به فیزیک داشتم، در المپیاد فیزیک قبول نشدم. زیرا کتابهای کتابخانه همیشه توسط مسئول کتابخانه، برای فامیل‌هایش برده می‌شد و کتاب را هم نمی‌توانستم بخرم. و آخر اینکه من بارها این چیزها را به بازرسان و کسانی که از طرف شما آمده بودند، گفته‌ام. ولی هیچ ترتیب اثری داده نشد و اگر می‌خواهید استعداد‌های دانش‌آموزان دختر شهر ... به هدر نرود، زودتر دست به کار شوید. مدرسه ما در کادر جدید احتیاج به مدیری فعال که به مسائل و علم روز آگاه باشد، دارد.

امیدوارم شما به نامه من توجه کنید، البته اگر دلتان برای دانش‌آموزان مستعد این مرز و بوم می‌سوزد.

دانش‌آموز همیشه گله‌مند

از فرزندگان ...

استعداد‌های درخشان: برخی از پرسش‌های شما، در جواب نامه‌های همین شماره، پاسخ داده شده است. در مورد ارزیابی وضعیت معلمان نیز، که هر دو سال یک بار صورت می‌گیرد، ما جمع‌بندی نظرات دانش‌آموزان را به سرپرستی سمپاد و خود معلمان اعلام می‌کنیم و در محدوده مشخصی، درخواست تعویض برخی از معلمان را به صورت ارشادی می‌نماییم.

در ضمن، اصل در هر مرکز آموزشی، رعایت حقوق دانش‌آموزان است. اینکه خدای ناکرده، کسی از این اصل تخلف کند، مصداق «وای به روزی که بگنجد نمک» می‌شود، که البته به فرموده شاعر، باز هم باید نمکش زد!!

هر چند باید گفت، با وضعیتی که شما توضیح داده‌اید، مدرسه‌تان گل‌گلاب است! اگر هم خواستید درش را گل بگیرد، حتماً با گل‌گلاب مخلوطش کنید!!

بسم الله الرحمن الرحيم

مدیرکل محترم استان، با عرض سلام،

نامه‌ای را که به حضورتان ارسال می‌کنیم، درد دل تعدادی از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی فرزندگان می‌باشد و اگر از جانب تعدادی، این مسائل مطرح می‌شود به این دلیل است که ما همیشه در اقلیت هستیم و از جمله دانش‌آموزانی هستیم که توان مالی جهت پرداخت کلاس‌های خصوصی را نداریم و متکی به کار مدرسه هستیم. امسال از اوایل سال تحصیلی، کلاس‌ها با اقلیت دانش‌آموزان تشکیل گردید و آن قشر پولدار یا مرفه، یا نمی‌آمدند و یا با اجازه مدرسه، در کتابخانه یا جاهای دیگر

مدرسه در حال مطالعه شخصی بودند و کسی کاری به کارشان نداشت. ما دانش آموزانی که دل به کلاس بسته بودیم، با اذیت و آزار این دسته از دانش آموزان، سال را سپری کردیم و همان‌هایی که در رابطه با تعویض دبیر جاروجنجال برپا کرده بودند، پس از تعویض دبیر هم در سر کلاس حاضر نشدند و هیچ قدرتی هم در مدرسه وجود نداشت که آن‌ها را به کلاس بیاورد. به قول همین دانش آموزان، امسال «سال کویت» بود، چون به غیر از غیبت‌های فراوان، با آرایش و اصلاح صورت هم در مدرسه حضور پیدا می‌کردند و ظاهراً این مسئله هم برای مدرسه حل شده بود. و مسائل دیگر که بماند... ولی بیشترین ناراحتی ما تعطیلی کلاس‌هاست که از قبل عید این عمل صورت گرفته و ما اقلیت در مانده، نمی‌دانیم چه کنیم. نه مانند آن‌ها پول داریم و نه مانند آن‌ها پشتیبانی، که از جانب مدرسه ما را حمایت کند. به نظر شما چه کسی می‌بایست به این مسائل رسیدگی کند؟! آیا صحیح است کلاس درس، از بهمن ماه به تعطیلی کشانده شود و ما اقلیت هم جرئت حرف زدن هم در مدرسه نداشته باشیم و اگر اعتراضی هم داشته باشیم به ما بگویند شما بروید بقیه دانش آموزان را بیاورید تا کلاس تشکیل شود؟

آقای مدیر کل! اگر حرف ما را شما هم قبول ندارید، در روزهای کلاس ما، بدون اطلاع به مدرسه بیایید و ببینید آیا دانش آموزی از مقطع پیش‌دانشگاهی در مدرسه حضور دارد و کلاس درس تشکیل شده یا نه؟! اگر دانش آموزی را پیدا کردید که از جانب دفتر تهدید نشده بود، با او جداگانه صحبت کنید و وضعیت کلاس‌های ما را جو یا شوید. چرا که پس از رفتن اداره‌ای‌ها ما باید در دفتر حضور پیدا کنیم و سؤال و جواب پس دهیم و پس از آن نمره انضباط ما هم مورد بی‌مهری قرار گیرد.

جناب مدیر کل! از ماکه گذشت و ماهم شناختی روی شما نداریم. ولی شما را به خدا سوگند می‌دهیم فکری به حال نفرات بعدی نکنید. چرا که ما هر خوب و بدی را از جانب شما که مسئولیت آموزش و پرورش استان را عهده‌دار هستید، می‌دانیم و دعا و نفرین ما شما را هم دیر یا زود خواهد گرفت.

و من الله التوفیق

جمعی از دانش آموزان پیش‌دانشگاهی فرزندگان ...

استعدادهای درخشان: رونوشت نامه با اصرار به درج، برای ما آمده بود. اما توضیحات ما: در این شهر تعویض مدیر مرکز، براساس نظر استان صورت گرفته است که بخاطر سال تحصیلی و عدم ایجاد مشکل، سمپاد حرفی نزد و تغییرات بعدی را هم استان به همین گونه انجام داده است. چه می‌شود کرد؟ تعریف جدیدی از «تجمع» شده است، یعنی جمیع مقدرات دست خودشان است. دعا یا نفرین شما هم گویا اثرش را از دست داده است.



نامه‌های شما دریافت شد:

□ شهرکرد، مرکز شهید بهشتی، علیرضا شاهین □ خرم‌آباد، مرکز شهید بهشتی، سیدعرفان ستوده □ یزد، دبیرستان شهید صدوقی، سیدسینا طیرانی □ تهران، فرنگیس طاهری طالش مادر دانش‌آموز دبیرستان علامه حلی

